

ادبیات دفاع مقدّس و نقش آن در وحدت ملی

فرهاد پردخته (کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، آموزشکده فنی و حرفه ای آستانه اشرفیه، گیلان، دانشگاه فنی و حرفه ای)

فاطمه محمدی (کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، آموزش و پرورش آستانه اشرفیه، گیلان)

چکیده

هدف این مقاله تحلیل ویژگی های ادبیات دفاع مقدّس در روابط اجتماعی است که در طول هشت سال دفاع مقدّس بر اساس آثار گوناگون و مثبت سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن شکل گرفت. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نقش عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدّس در ایجاد سرمایه اجتماعی (وحدت ملی) را تبیین می کند. از آنجایی که جنگ تحمیلی به مردم ایران در سال 1359، واکنش جمعی را در پی داشت؛ این واکنش جمعی و مشارکت فعالانه در جبهه ها، در هم تنیدگی روابط اجتماعی را موجب شد و شکل جدیدی از روابط اجتماعی، با افزایش کارکرد روحیه جمع گرایی و نفی روحیه فردگرایی در ایران دهه 60، عزم ملی برای مقاومت و دفاع مقدّس، وحدت ملی را در ایران هویت بخشید. پژوهش حاضر درصدد است این در هم تنیدگی روابط اجتماعی را در چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی، پدید آمدن وحدت ملی را که ادبیات دفاع مقدّس را شکل داده است؛ تبیین و تحلیل کند. نتایج تحقیق نشان می دهد، همچنان این عنصر حیاتی انقلاب اسلامی «وحدت ملی» از مؤلفه های معنوی و مادی سرمایه اجتماعی بهر مند و در بازدارندگی دشمنان جامعه اسلامی ایران، به سلاح مقاومت ویژه تبدیل شده است.

کلیدواژه ها: جنگ تحمیلی، ادبیات دفاع مقدّس، سرمایه اجتماعی، وحدت ملی، سلاح مقاومت

مقدمه

جنگ به عنوان یک تجربه اجباری و تحمیلی گاه پیامدهایی را در بردارد که می توان با جهت دهی صحیح پیامدهای آن، اثرات منفی آن را کاهش داد؛ بسته به آن که جامعه از چنین تجربه تلخی چه بیاموزد و آموخته ها را چگونه به کاربرد.

جنگ تحمیلی عراق بر ایران اسلامی در سال 1359 با همه مصائب و مشکلات و ویرانی ها، سبب شد در زمان تنگنای اقتصادی، روانی و اجتماعی، شکل خاصی از روابط اجتماعی شکل بگیرد. این شکل خاص از روابط اجتماعی و هنجارها و ارزشهای ناشی از آن، سرمایه اجتماعی برای ایران در حال جنگ محسوب می شد؛ که در ادبیات دفاع مقدّس به پایداری بی مانند مصور است.

در زمان جنگ به دلیل موقعیت بحرانی و بسترهای اجتماعی و فرهنگی و مذهبی جامعه ایران، با نفی گرایشها فردگرایانه و ترویج روحیه جمع گرایی، مرادفات اجتماعی دستخوش تغییر شد. این شکل خاص از روابط اجتماعی باعث افزایش انسجام ملی و فرهنگی، کاهش قوم مداری و تضادها و شکاف های مذهبی شد و تک تک افراد جامعه را در یک صف واحد در برابر متجاوزان قرار داد.

این جنگ یک واقعه ک منظر در تاریخ معاصر ایران بود که با نبردها، وقایع و رویدادهای دیگر، هم به دلیل وسعت و شدت و هم به علت اشتیاق مردم جهت شرکت در جبهه های نبرد تفاوت دارد. مشارکت همه جانبه ایرانی ها از تمام اقوام و ادیان در دفع تجاوز، تعاون و همکاری در کارها، حفظ و شکل گیری وحدت ملی در رویا رویی با تضادها و تعارضهای داخلی، انتقال بدون چشم داشت تجربه ها، میهن پرستی، کمک های مالی و جانی در دفاع، از انسجام ملی، روانی و فرهنگی ایرانیان صر فظنر از هر دین و قومی حکایت دارد.

عملکرد مردم ایران در جنگ، نمایش تلاش یک ملت منسجم و دارای مشترکات فرهنگی زیادی است که در این فرهنگ جنبه های عام آن، جنبه های خاص را موضوعات اساسی موردبحث جامعه شناسان کلاسیک و معاصر قرار داده است. وضعیتی که در طول جنگ هشت ساله برای ایران به وقوع پیوست؛ در این مقاله به این نکته اشاره دارد که وقوع جنگ سبب شد شکل

خاصی از روابط اجتماعی در دوران هشت سال دفاع مقدس شکل بگیرد؛ این شکل خاص از روابط اجتماعی که آن را در چارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی بررسی می کنیم دارای ویژگی های منحصر به فردی در تاریخ معاصر ایران بوده است.

در دوران هشت ساله دفاع مقدس با اولویت یافتن گرایشها جمع گرایانه در عرصه عمومی، منافع فردگرایانه کمتر مجال بروز یافتند. روحیه همیاری، اعتماد متقابل، ایثار، مقاومت و مسائلی از این دست در فضای عمومی جامعه به عنوان ارزش شناخته شدند. این شکل خاص از روابط اجتماعی همان است که در مقاله فوق از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می شود.

درواقع، وجود سرمایه اجتماعی در جامعه، به لحاظ شکل و ماهیت روابط اجتماعی (هنجارهای اعتماد و همیاری) و به واسطه تراکم در روابط اجتماعی و روابط بین گروهی، سوگیری ارزشهای عام گرایانه را جایگزین ارزشهای خاص گرایانه می کند و از سوی دیگر با شکل گیری هنجارهای اعتماد و همیاری از طریق گسترش روابط اجتماعی در شبکه ها، مانع بروز فردگرایی در اشکال منفی آن می شود.

وحدت ملی، نتیجه بلافصل ارتقای سطح تعاملات انسانی میان اعضای اجتماع و تحکیم سطح علائق و اعتقادشان به سرنوشت مشترک است که نه تنها تنسيق امور عمومی را تسهیل می کند بلکه بقای روابط اجتماعی و اعمال اقتدار عمومی را در چارچوب جامعه سیاسی از حیث روابط درونی و بیرونی (حاکمیت دولت) تضمین می کند. در شرایط کنونی جوامع که تهدیدهای متعدد و مختلفی وضعیت مطلوب و بایسته و حتی موجود روابط جمعی را نشانه رفته اند، نه تنها تدقیق در مؤلفه های وحدت و اتحاد ملی برای جامعه ایرانی ضروری است، بلکه حکایت از درایت و تعمیق درک نقش این امر در اقتدار و امنیت ملی دارد.

هدف این مقاله تحلیل شرایط پیدایش، ویژگی های و تبعات این شکل خاص از روابط اجتماعی است که در طول هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد تا وحدت ملی به یک هویت ملی ماندگار تبدیل گردد. بر این اساس به عوامل ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی در طول جنگ می پردازیم و سعی می کنیم نسبت سنجی میان این سرمایه اجتماعی شکل گرفته و تبدیل آن به وحدت ملی را ارائه دهیم.

این پژوهش از نظر روش اطلاعات و داده های آن از طریق منابع کتابخانه ای، اسنادی، اینترنت و مقالات علمی پژوهشی جمع آوری شده است و توصیفی - تحلیلی می باشد.

نگرش و دیدگاه های مختلفی درباره مفهوم سرمایه اجتماعی و وحدت ملی وجود دارد، لازم است تعاریفی از خود مفهوم سرمایه، اشکال آن و تاریخچه سرمایه اجتماعی داشته باشیم.

با این چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی گرچه در دو دهه گذشته با انتشار نظریات بوردیو، کلمن و پاتنام، مطالعات سرمایه اجتماعی کاملاً عمومی شده اما هنوز توافق چندانی در رابطه با سابقه و پیشینه سرمایه اجتماعی وجود ندارد. اگر بخواهیم کاربردها، تعاریف و اهدافی را که در علوم اجتماعی از این مفهوم می شود را دسته بندی کنیم و پیشینه این مفهوم را در آراء اندیشمندان کلاس یک جستجو کنیم باید این ردیابی را از کتاب «سرمایه» کارل مارکس آغاز کنیم. او در این کتاب به معنای «همبستگی از روی اجبار و ضرورت» می پردازد. بدین معنی که شرایط منفی و بحرانی افراد را به سوی استفاده از انرژی و توانایی های بالقوه جمعی، توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل های گروهی ترغیب می کند. این خاصیت، امروزه به نوعی با سرمایه اجتماعی در ارتباط است، انرژی جمعی و اتکا به پشتیبانی افراد در مناسبات جمعی، به نحو یکه با نتایج مثبت یا منفی افراد را به دور هم جمع می کند.

رویکرد دوم را می توان در نظریات جرج زیمل ردیابی کرد. جایی که او از مفهوم «بده بستان» یا «دادوستد» حرف می زند. به این معنی که افراد بر مبنای هنجارها و قواعد رفتاری برای اینکه به مناسبات بین فردی سروسامان بدهند اقدام به اتخاذ تعاملاتی می کنند که آن را برای بقای خود ضروری می دانند. در این رویکرد، سرمایه اجتماعی به دادوستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می دهند تقلیل می آید. این نظریه بر این مبنا استوار است که افراد، توقع دارند کمک و لطفی که نشان می دهند، جبران شود. این نگاه در مبادلات اجتماعی امروز رواج بیشتری دارد و در نظریات کنش و مبادله به آن پرداخته شده است. بنابراین از دید این رویکرد، سرمایه اجتماعی نوعی دادوستد اجتماعی است.

رویکرد سوم که اثرات قابل ملاحظه های بر جای گذاشته با «امیل دور یکم» آغاز و با «تالکوت پارسونز» ادامه می آید. این نظریه پردازان، ریشه تعاملات و مبادلات بین افراد در جامعه را در ارزش ها و هنجارهای اجتماعی می دانند و بر این باورند

چنین هنجارها و ارزش‌هایی افراد را به ایفای نقش‌ها و اعمال خود ترغیب می‌کنند. این رویکرد، به سرمایه اجتماعی به صورت ارزشی نگاه می‌کند. رویکردی که مسائل ساختی، فرهنگی و تاریخی را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مؤثر می‌داند. از جریان‌های فکری دیگر می‌توان از «ماکس وبر» نام برد. وبر مفهوم «اعتماد» را مطرح می‌کند و با طرح این پرسش که اعتماد در متن رسمی و غیررسمی چگونه ساخته می‌شود و در متن اجتماعی چه ملازماتی برای افراد به همراه دارد، در مفهوم سازی سرمایه اجتماعی مؤثر بوده است. اعتماد، عبارت است از آمادگی افراد برای اینکه در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند به سایر افراد، اعتماد داشته باشند و البته به همان نحو، سایرین نیز باید از خود اعتماد نشان بدهند؛ علاقه بند (1387، ص 17).

بدین ترتیب می‌توان گفت که مضمون سرمایه اجتماعی در نظر اندیشمندان کلاس یک در ابعاد عینی و ساختاری در سطح کلان موردتوجه دور یکم، ذهنی یا شناختی آن در سطح خرد موردنظر وبر، ارتباطی و تعاملاتی آن در سطح شبکه روابط موردعنايت زیم و تضاد نیروهای مولد و روابط تولیدی در شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی موردنظر مارکس، در پی ریزی مبانی نظری و تجربی و شکل‌گیری مفهوم سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بوده اند؛ عبداللهی و موسوی (1386، ص 55).

مفهوم سرمایه اجتماعی در دهه 1980 به شدت موردتوجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف فشرده‌ای در میان نظری‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عمدتاً مرهون کلمن (Coleman, 1988) جامعه‌شناس آمریکایی و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه در شهر شیکاگو است و پس از آن بورديو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن کرد و مطالعه پاتنام (Putnam, 1993) در رابطه با سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، از عوامل مؤثر در این گسترش است؛ توسلی (1384: 26).

استفاده معاصر از مفهوم سرمایه اجتماعی در سه رویکرد می‌تواند طبقه‌بندی شود: پیر بورديو که به استراتژی‌هایی برای نگهداری یا تغییر موقعیت افراد در ساختار اجتماعی-تاریخی تأکید می‌کند، جیمز کلمن که بر پیوند میان عقلانیت و سرمایه انسانی تأکید دارد و رابرت پاتنام که بر رابطه میان عملکرد نهادی و سرمایه اجتماعی تأکید دارد. سرمایه اجتماعی یک مفهوم جمعی است که مبنای آن در رفتارها، نگرشها و استعداد های فردی قرار دارد؛ بری هم و راهان (Brehm & Rahn., 1977) (به طور کلی سرمایه اجتماعی به صورتهای گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است که در مجموع می‌توان آنها را در سه دسته ذیل خلاصه نمود:

1- سرمایه اجتماعی از دیدگاه بورديو

بورديو سه نوع سرمایه شناسایی نمود که شامل سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌گردد. از دیدگاه بورديو، سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به منزله ابزاری برای دستیابی به سرمایه‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. از این منظر، سرمایه اقتصادی، شکل غالب سرمایه‌گذاری است و انواع دیگر سرمایه که سرمایه اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد به منزله ابزاری برای حصول به سرمایه اقتصادی مفهوم پیدا می‌کنند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دیدگاه بورديو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است؛ به عبارتی اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود کاربردی نخواهد داشت.

2- سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن

کلمن برخلاف بورديو از واژه‌های متفاوتی برای تعریف سرمایه اجتماعی استفاده کرده است؛ وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد گوناگون بررسی نموده است. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی به نقش و کارکرد آن توجه کرده است و تعریفی کارکردی، نه ماهوی، از سرمایه اجتماعی ارائه داده است؛ الوانی و سید نقوی (1381: 4).

کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود؛ سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند:

(الف) همه آنها جنبه‌ای از کی ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند.

(ب) کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند.

از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی مثل شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دس‌تیبایی به هد‌فهای معینی را امکان‌پذیر می‌سازد که در صورت عدم وجود سرمایه اجتماعی دست‌یافتنی نخواهند بود.

به طور کلی سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی قابل جایگزین کردن نیست؛ هرچند در برخی از فعالیت‌ها می‌توان آن را جایگزین نمود. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کن‌شهای خاصی ارزشمند است، ممکن است برای کن‌شهای دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌بار باشد؛ (Coleman, 1990: 305) برخلاف بورديو که سرمایه اقتصادی را به مثابه هدف غایی در نظر می‌گرفت، کلمن سرمایه انسانی را به منزله هدف غایی در نظر می‌گیرد و سرمایه اجتماعی را چون ابزاری برای دستیابی به سرمایه انسانی مدنظر قرار می‌دهد؛ الوانی و سید نقوی (1381 ص 5).

3- سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام

پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه مفاهیمی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباطات و مشارکت بهینه اعضای يك اجتماع شده در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد.

از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی را شکل می‌دهند که کنش‌های اعضای جامعه را تسهیل میکند. پوتنام سرمایه اجتماعی را وسیل‌های برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های سیاسی گوناگون می‌داند. تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود، به نظر وی با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، توسعه سیاسی ایجاد می‌شود.

تفاوت کار پوتنام با بورديو و کلمن در مقیاسی است که برای تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی از آن استفاده کرده است. پوتنام برخلاف بورديو و کلمن، سرمایه اجتماعی را در مقیاس کلان و در رژیم سیاسی حاکم بر جامعه مورد مطالعه قرار داده است به همین خاطر با مشکلات و پیچیدگی‌های خاص سیاسی و ملاحظات سیاسی روبه‌رو شده است؛ الوانی و سید نقوی (1381 : 6). سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است که افزایش آن در پایداری سطح هزینه‌های عملیاتی سازمانها مؤثر است؛ شیروانی (1383 : 47).

سرمایه اجتماعی توسط محققان به طور گسترده به منزله يك دارایی که در روابط افراد، اجتماعات، شبکه‌ها یا جوامع موجود است، شرح داده می‌شود.

علی‌رغم این شباهتها در طریقی که محققان، سرمایه اجتماعی را شرح می‌دهند، تفاوت‌های اساسی و عمیقی نیز در دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد که سه مورد از آنها به طور خاص شامل سطح تحلیل، کاربردهای هنجاری و برتری مزایا می‌شوند که مفهوم سازی‌های گوناگون از سرمایه اجتماعی را مشخص می‌نمایند؛ علوی (1380 ، ص 34).

فلورا (Flora, 1998) معتقد است که سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های زیر در يك سیستم اجتماعی دانست: - اعتماد متقابل؛ - تعامل اجتماعی متقابل؛ - گروه‌های اجتماعی؛ - احساس هویت جمعی و گروهی؛ - احساس وجود تصویری مشترک از آینده؛ - کار گروهی.

یکی از مفاهیم مفید در تبیین سرمایه اجتماعی، مفهوم «شبکه اعتماد» است که بیانگر این مطلب است که افراد بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات، هنجارها و ارزشهای یکسانی در تبادلات فی‌مابین خود استفاده می‌کنند. ازای نیرو اعتماد فی‌مابین، نقش زیادی در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد يك گروه و یا بین گروه‌ها و سازمانهای متفاوت به وجود آید؛ پدید آمدن این شبکه در ایران با وقوع جنگ تحمیلی ناشی از ادبیات دفاع مقدس در قالب وحدت ملی شکل گرفت.

ویا نووا و جوسا (Vilanova & Josa, 2003:30) ، سرمایه اجتماعی را ب‌هم‌منزله پدیده‌ای مدیریتی تلقی نموده و برای آن ویژگی‌های گوناگونی تعیین کرده‌اند که شامل: اعتماد (هنجارها)، ارزشها و رفتارهای مشترک، ارتباطات، همکاری، تعهد متقابل، شناخت متقابل و شبکه‌ها می‌شود. این دو محقق معتقدند که سرمایه اجتماعی به منزله پدیده‌ای مدیریتی و با ویژگی‌های مذکور، موجب دستیابی به منافع متقابلی می‌شود که ارزش‌دارایی‌های نامحسوس (سرمایه مفهومی) را افزایش می‌دهد؛ ویا نووا و جوسا. (2003:30 Josa &, Vilanova)

به طور کلی، محققان نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی يك منبع با ارزش است زیرا افراد هنگامیکه یکدیگر را شناخته و درک نموده و به هم اعتماد داشته و با یکدیگر هویت می‌یابند به صورت کارآتر و مؤثرتری باهم کار میکنند؛ بولینو، ترانلی و بلودگود (Bolino, Turnley & Bloodgood, .) 2002:2057

کتاب «بنیادهای نظریه اجتماعی» کلمن، حاصل بیش از دو دهه تلاش او در زمینه تئوری جامعه شناختی بود. این کتاب رهیافت انتخاب عقلانی را برای تحلیل رفتار اجتماعی برمی‌گزیند تا نشان دهد انتخاب‌های فردی چگونه بر هنجارهای اجتماعی، فشارهای اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی و نفوذ گروه‌های دیگر تأثیر می‌گذارد (Colman, 1986:26).

این انتخاب‌های فردی داوطلبانه در دوران هشت ساله دفاع مقدّس برای اعزام به جبهه‌ها، از بسترهای فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی متأثر بود و در عین حال به مرور زمان، شکل جدیدی از هنجارهای اجتماعی را شکل داد که ما در ادبیات دفاع مقدّس آن را وحدت ملی می‌شناسیم. رزمنده‌ای که داوطلبانه اعزام جبهه می‌شود در چارچوب تعهدات ایدئولوژیک اسلامی، تکلیف شرعی خود را انجام می‌دهد. در این چارچوب برای رزمنده، جنگ

فقط جنگ فیزیکی برای دفاع از مرزها نیست؛ بلکه جنگی برای حفظ اسلام و ارزشها و آرمان‌های اسلامی، جنگ بین دارالکفر و دارالاسلام و جنگ بین حق و باطل است. برای پی بردن به عمق دیدگاه رزمندگان باید به مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آنان، گریزی زد؛ که سبب ایجاد وحدت ملی شده‌اند.

هر رفتاری که از آدمی سر می‌زند درگرو تصمیمات او در همین دنیاست.

نمی‌توان عملی را یافت که جنبه دنیوی داشته و در حیات آخرت بی‌تأثیر باشد و یا عملی را یافت که تنها جنبه اخروی داشته، بی‌آنکه در زندگی دنیا تأثیر نهد؛ فوزی (1388، ص 102).

در چارچوب نظریه سرمایه اجتماعی و از نظر کلمن، کنشگران بر رویدادهایی

که تحت کنترل کنشگران دیگر است علاقه دارند و همین مسئله باعث ایجاد روابط اجتماعی می‌گردد که در طول زمان تا اندازه‌ای پایدار می‌ماند.

این روابط اجتماعی به عنوان منابعی برای افراد در نظر گرفته می‌شوند.

افراد برای تداوم بیشتر روابط اجتماعی شان و نیز تضمین این روابط، هم اثرات خارجی منفی را با اثرات خارجی مثبت جایگزین میکنند و هم به تولید هنجارها می‌پردازند. این قسمت از اندیشه‌های کلمن کاملاً در فضای فکری نظریه تبادل و متأثر از نظریه انتخاب عقلانی، صورت بندی شده است؛ و در زمان دفاع مقدّس در ایران منجر به یک وحدت ملی ماندگار تبدیل گردیده است.

در این چارچوب، اعزام داوطلبانه به جبهه که تحت کنترل کنشگران و اراده آزاد آنان است با تداوم و تکرار در سال‌های اولیه جنگ، در فضای عمومی جامعه به عنوان یک ارزش مطرح می‌شود و در طول زمان، خود را تثبیت می‌کند. این ارزش، خود یک سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود که فی‌مابین روابط افراد شکل گرفته است. نمونه‌های فراوان جعل شناسنامه برای اعزام به جبهه برای رزمندگان فاقد سن قانونی اعزام و اعزام‌های بدون اطلاع قبلی خانواده، گواه این مطلب است که حضور داوطلبانه در جبهه برای رزمندگان به ارزش تبدیل شده، کنشگران این ارزش، از سرمایه اجتماعی حضور در جبهه برخوردارند. در همین راستا، نهادهایی هم نقش سازماندهی و اعزام هدفمند این نیروهای اجتماعی را بر عهده می‌گیرند.

بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی، افرادی که آگاهانه دست به مشارکت در امور عمومی می‌زنند، سبب افزایش بهره‌وری چشم‌گیر در این امور می‌شوند. این حضور داوطلبانه، افزایش خلاقیت، بازدهی، خود شکوفایی، ایثارگری و روحیه مقاومت و شهادت را در طول جنگ به همراه داشت؛ که بستر ساز وحدت ملی در ایران شد.

همه این موارد نشانگر سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، برای افرادی است که در میدان اجتماعی جبهه، سرمایه اجتماعی (وحدت ملی) را کسب کرده‌اند. ویژگی اصلی این سرمایه اجتماعی این است که متصدیان آن ویژگی‌های اعتقادی خاصی دارند. این ویژگی‌های اعتقادی به شدت از آرمان‌های اسلامی و ایدئولوژی شیعه متأثر است. به این معنا که باورها، اعتقادات، هنجارها، ارزش‌ها و رسوم اخلاقی آن، پیوستگی فراوانی با دین دارد و مناسک و شعائر دینی به حد وسیعی بر پا داشته می‌شود. بر اساس ارزش‌های حامل این سرمایه اجتماعی، سیاست باید بر پایه دین استوار باشد؛ به این معنی که حکومت واقعی منبعث از خداست و اینکه به پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و آگاهان شده است. در زمان غیبت امام عصر (عج)، مسئولیت این حکومت به ولی فقیه داد شده است. بنا بر اصول این سرمایه اجتماعی، مشروعیت جنگ از فرمان ولی فقیه نشأت می‌گیرد.

با توجه به بررسی‌انجام‌شده پیرامون مفاهیم موردنظر سرمایه اجتماعی، حال به نقش دفاع مقدّس در ایجاد وحدت ملی می‌پردازیم.

همبستگی و هویت جمعی، پی‌ش نیاز وحدت ملی

سطح قربت ذهنی و رفتاری مورد توجه و تأکید در قالب اتحاد ملی، همبستگی و وفاق است که بر ارتقای سطح تعامل میان اعضای اجتماع از سطح حداقلی به حداکثری استوار است و عمدتاً به «استقرار وابستگی متقابل نزدیک تر میان اجزای یک موجود زنده یا میان اعضای یک جامعه»؛ دوروزه (1376، ص 358) اطلاق می‌شود. در واقع؛ در مواردی که گروه دارای سازگاری فراوان باشد، یگانگی گروهی سبب می‌شود که انتظامی استوار بین آنها برقرار شود. این انتظام که انسجام گروهی یا

به هم پیوستگی نامیده می‌شود، نظم گروهی را پدید می‌آورد و در پرتو نظم مذکور است که حرکت اعضای منفرد اجتماع به سمت وسوی نوعی هویت جمعی (اعم از وحدت در اعتقادات و ارزشها یا وحدت رفتاری) مبتنی بر تعامل ایستا (مکانیک) یا پویا (دینامیک) تسهیل می‌شود و از این وحدت و هویت جمعی، وحدت ملی ب همثابه وحدت میان اعضای اجتماع در کلیت آن (اعم از اعضای حقیقی یا حقوقی) و هم افزایی ظرفیت هایشان برای تحقق خواست عمومی و منافع ملی (اعم از منافع ملموس یا عالی جامعه) است.

در چنین سطحی از فرایند جامعه پذیری انسان، ملت شکل می‌گیرد و با کارکردهایی که دارد، وحدت ملی را دوام و بقا می‌بخشد. در واقع؛ اشتراک پایدار انسانها که بر شالوده اشتراکات ذاتی یا عرضی عناصر محیطی یا روانی و فکری شکل می‌گیرد، نه تنها هویت جمعی را ممکن می‌سازد، بلکه باهم بسته کردن افراد حول محورهای ملی (زبان، نژاد، سرزمین، عقیده و مرام و همچنین بینش، ایده و ...)، وحدت ناشی از این هویت مشترک را استمرار می‌بخشد.

گفته می‌شود که همبستگی در چارچوب تمایل متقابل انسانها به زندگی جمعی یا کشش متقابل، دوروزه (1376، ص 371) امری غریزی یا فطری است. بالینحال، به نظر می‌رسد که نفس زیست جمعی، مبنای فطری دارد اما سطح قربت انسانها در این زیست، مستلزم تعامل های قهری به ویژه عقلانی است؛ به طوریکه همبستگی کامل که خصیصه بارز جامعه مدنی است، تنها با تکیه بر ابزار عقلانیت و تفاهم و گفتمان نظری و عملی در اجتماع میسر است و این سطح از توسعه روابط جمعی، از حد حدوث واقع های غیرارادی یا تجربه تاریخی خارج است. به همین دلیل برای برجسته کردن مبانی همبستگی؛ یعنی ابتدا درک خود و توانمندی هایمان در اجتماع و سپس اقتناع همدیگر برای گذشتن از خویش به نفع سایر هموعان، به تحلیل و پی جویی علمی می‌پردازیم و راهکار ارائه می‌دهیم و از فرصت و تهدید سخن می‌گوییم.

در واقع؛ وحدت ملی با ایده جامعه مدنی نیز تلاقی عمیق دارد. بالین حال، «در ماورای جامعه مدنی موجود در جهان که ناقص و سطحی است، رویای جامعه ای هماهنگ که اعضای آن در نهایت از خودخواهی ها، تنگ نظری ها و موجودیت مجزای خود کنده شده و هر کدام نه به کمک تعهدات حقوقی و سازوکارهای مبادله و تقسی مکار و نه به کمک زنجیره های بایستن و داشتن، بلکه به مدد تفاهم متقابل، نو عدوستی و عشق، باهمدیگر بستگی و وابستگی یافته باشند، هنوز وجود دارد» دوروزه (1376، ص 371).

2- وحدت و همبستگی ملی در ادبیات دفاع مقدس:

وحدت اقشار مختلف مردم در دوران دفاع مقدس يك مسئله معنوي است که در جاهای دیگر نظیرش را نمی‌بینید. معنویت، راز و نیاز با خدا، ارتباط دلها با خدای متعال، هدف را خدا قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دل بستگی به روزیور و زخارف دنیا پیدا نکردن، این هاست که يك مجموعه مومن را به وجود می‌آورد. با داشتن آن جنبه معنوي، زیاده را در مقابل خودتان مجبور به هزیمت می‌کنید. همین معنویت بود که بسیج را در میدا نهایی نبرد آن طور بی تاب و عاشق می‌کرد. شوق جبهه این جوانان را می‌کشاند و وقتی به جبهه می‌آمدند، از جبهه دل نمی‌کنند. (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبري، ص 42، 1378).

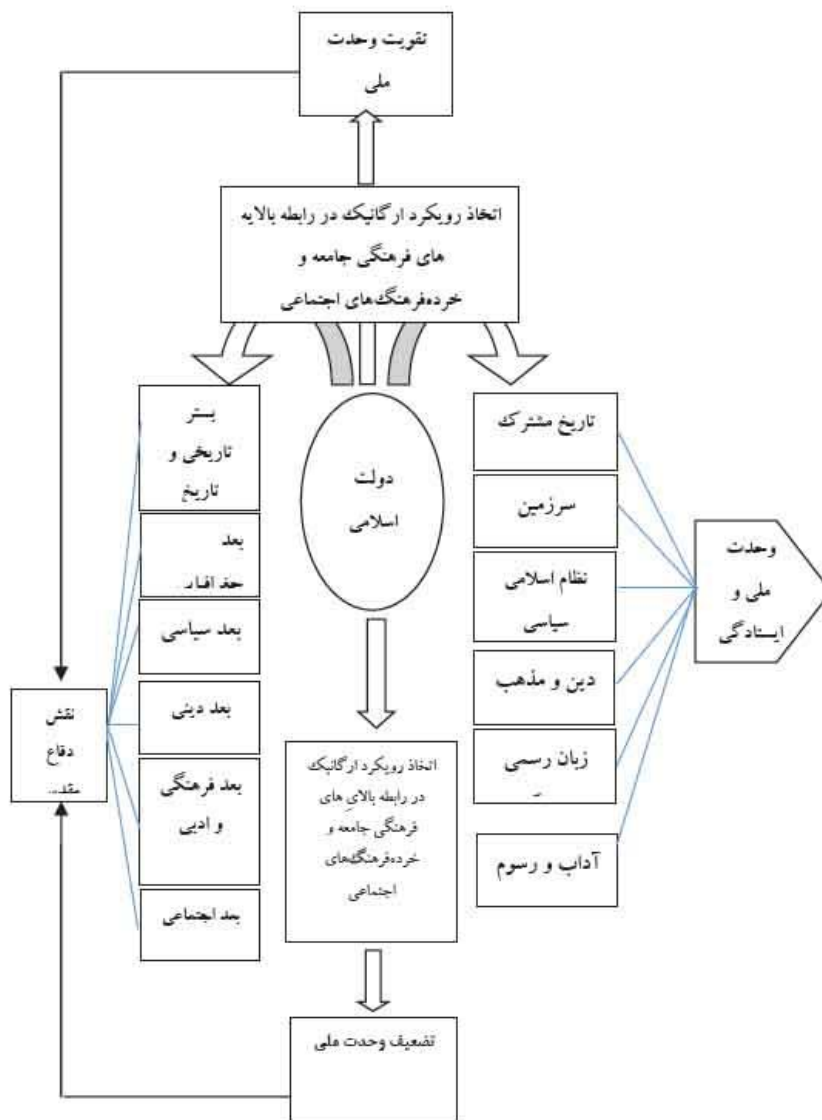
در زمان جنگ به دلیل موقعیت بحرانی و بسترهای اجتماعی و فرهنگی و مذهبی جامعه ایران، نفي گرایشها فردگرایانه و ترویج روحیه جمع گرایی و درهم تنیدگی روابط اجتماعی، بافت اجتماعی جامعه ایران دستخوش تغییر شد. این درهم تنیدگی روابط اجتماعی باعث افزایش انسجام ملی و فرهنگی، کاهش قوم مداري و تضادها و شکاف های مذهبی شد و تک تک افراد جامعه را در يك صف واحد در برابر متجاوز قرار داد. نتیجه این درهم تنیدگی روابط اجتماعی، مشارکت همه جانبه ایرانی ها از تمام اقوام و ادیان در دفع تجاوز و تعاون و همکاری در کارها بود. باکم رنگ شدن زمینه های اختلافات داخلی، روحیه حفظ وحدت ملی و میهن پرستی شکل گرفت؛ کمک های مالی و حضور در جبهه ها در دوره هشت ساله دفاع مقدس، همه حکایت از انسجام ملی، روانی و فرهنگی ایرانیان صر فنظر از هر دین و قومی دارد.

در سا لهای ابتدایی جنگ، بسیاری از قدر تهایی بزرگ بر این باور بودند نظام سیاسی جمهوری اسلامی با تجاوز خارجی و تشدید شکاف های داخلی به دلیل تنوع قومیتی، مذهبی از پا خواهد افتاد؛ اما باگذشت زمان، شرایط به گون های دیگر رقم خورد.

شکاف های قومی و مذهبی نه تنها تشدید نشد، بلکه در نتیجه درهم تنیدگی روابط اجتماعی، منجر به شکل گیری سرمایه اجتماعی شد که یکی از دلایل شکل گیری روحیه مقاومت و ایثار در دفاع مقدس بود و سازه آن وحدت ملی. بر این اساس، تمام خرده فرهنگها و اقلیت ها در يك صف واحد روبه روي دشمن، متحد ایستادگی کردند. منظور از سرمایه اجتماعی شکل خاص روابط اجتماعی بر پایه اعتماد متقابل، هنجارها و ارزشهایی است که در حال روابط اجتماعی زاییده می شود. این سرمایه هم می تواند کارکرد منفی داشته و هم می تواند در جهت بالا بردن کارایی و افزایش بهره وری گروه های اجتماعی به کار رود. سرمایه اجتماعی پدید آمده در طول دفاع مقدس، زمینه افزایش کارایی نیروها و شکل گیری روحیه مقاومت و ایثار در بین رزمندگان اسلام و آحاد مردم جامعه اسلامی را فراهم کرد.

بسترها و زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی خاص ایران دهه 60 در پدید آمدن و بروز این سرمایه اجتماعی «وحدت ملی» نقش بسیار مؤثری داشتند. همانطور که ملاحظه شد این سرمایه اجتماعی در بسیاری از موارد متأثر از برداشت های مترقیانه از اسلام بود. در اکثر قریب به اتفاق موارد، رزمندگان در چارچوب ایندولوژی اسلامی به اعمال خود معنا می دادند و این اقتباس از اسلام و به ویژه فرهنگ عاشورا، در طول دفاع مقدس از عوامل اصلی زایش سرمایه اجتماعی بود. کلمن سرمایه اجتماعی را «کالای عمومی» در حال تولید می داند. در همین چارچوب، شهادت یکی از ارزشمندترین سرمایه های اجتماعی بود که در حال دفاع مقدس زاییده شد و محسنات زیادی برای جامعه ایران داشت. سرمایه اجتماعی شهادت، روح مقاومت را در رزمندگان در طول سال های دفاع مقدس تا حد اکثر ممکن تقویت کرد و نقش به سزایی در روند دفاع مقدس ایفا کرد. با شروع جنگ تحمیلی، گروه مشترکی از اقلیت های مسیحی، ارمنی و آشوری، زرتشتی و کلیمی تشکیل و طی بیانیه ای ضمن ابراز انزجار از تجاوز حکومت بعثی عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، از کلیه هم وطنان خواست با شرکت فعال در سازمان بسیج مستضعفین برای شکست تجاوزات عراق، اتحاد خود را با سایر برادران مسلمان ایرانی تحکیم بخشد و دوشادوش آنان تا پای جان از مرزهای میهن دفاع نمایند.

گفتمان انقلاب اسلامی راهبردهای سیاست دولت در جهت همگرایی لایه های مختلف هویت ملی و افزایش احترام به خرده فرهنگهای اجتماعی در ایران را هدایت کرد و با چنین رهیافتی، وحدت و همبستگی ملی در سایه سرمایه اجتماعی ملی، تقویت و برای اولین بار در تاریخ دفاع از تمامیت ارضی کشور در برابر بیگانگان، مرزهای این کشور حفظ شد.



شکل شماره 1- مدل مفهومی نقش دفاع مقدس و ایجاد وحدت ملی (محقق ساخته)

با توجه به مدل مفهومی محقق ساخته برای بررسی ادبیات و نظام تعهدات و انتظارات شکل گرفته در طول دفاع مقدس، بهتر است زمینه و متنی که این نظام در درون آن شکل گرفته یعنی «جبهه» بررسی شود. بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی، شکل گیری این وجه از روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد متقابل، نیازمند محیطی خاص است. در دوران هشت سال دفاع مقدس «جبهه» محیطی است که این نوع خاصی از روابط در آن شکل می گیرد.

جبهه، جامعه و گروهی است که افراد و اعضای آن از خانواده های مختلف شهرهای کشور که نکات مشترکی دارند به طور موقت گرد هم آمده و خانواده جبهه را تشکیل داده اند؛ معمولاً اعضای این خانواده و جامعه باهم زندگی می کنند؛ تغذیه مشترک و گاهی خوراک مشابه دارند؛ در کنار ضوابط و مقررات رسمی، الگوهای رفتاری، اصطلاحات، شوخی ها و حتی ضابطه هایی به طور ناخودآگاه به وجود می آید و بعد از مدتنابین الگوهای رفتاری، اصطلاحات و ضابطه ها استقرار می یابند و حتی از طریق نهادهای رسمی بازتولید می شوند؛ روح الامینی (1373 : 141) جبهه به عنوان محیط خاصی که در نتیجه جنگ تحمیلی شکل گرفت دارای برخی ویژگی هایی منحصر به فردی است که عبارتند از: - محیط خاص جبهه از نظر زیستی و تکنیکی؛ - محیط خاص جبهه از نظر موقعی تهای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و نظامی، - محیط خاص جبهه به عنوان محل تلاقی خرده

فرهنگها، زبانها و لهجه های مختلف؛ - محیط خاص جبهه از نظر نیاز به مشارکت در انجام امور و کار جمعی؛ - محیط خاص جبهه از نظر التزام به ارزشهای اسلامی.

بی تردید مؤلفه های بالا در ایجاد روحیه ایثار و شهادت طلبی در قلوب آحاد ملت عزت پذیری و ذلت ناپذیری، صفا و اخلاص و شور حسینی، شناخت وظیفه و عمل به تکلیف، تلاش برای طلب رضایت پروردگار یگانه، صبر و استقامت در راه هدف از مهم ترین آثاری می توان دانست که از عنصر مهم و تأثیرگذار فرهنگی در طول 8 سال دفاع مقدس عاید گردیده است و حقیقتاً اگر این عنصر مهم و حیاتی در بین آحاد ملت شریف به ویژه در جوانان عبور این مرز و بوم وجود نداشت نه انقلاب اسلامی به پیروزی می رسید و نه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می توانستیم در مقابلتوطئه های گوناگون دشمنان که یکی از این توطئه ها تحمیل جنگ 8 ساله بود مقاومت کنیم.

وحدت ملی باهم بسته کردن اعضای اجتماع و پیوند دادن آنها (منافعشان و از همه مهم تر، سرنوشتشان به همدیگر)، به صورت پیشگیرانه 9 (preventive) و واکنشی 10 (reactive)، وضعیت امنیت ملی را ارتقا می بخشد و لوازم نرم افزاری و سخت افزاری آن را مهیای تضمین «جامعه ای امن» می سازد. به همین دلیل می توان امنیت ارتقاء یافته و اطمینان بخش را مازم با حضور مؤثر عموم در عرصه خلق و ایجاد زیربنای امنیت یا امنیت سازی 11 (security-making) و همچنین صیانت از وضعیت امنیتی موجود یا امنیت بانی 12 (security-keeping) دانست.

میان امنیت و وحدت ملی، رابطه ای مستقیم وجود دارد: هر چه وفاق و همبستگی در میان ملت بیشتر باشد، ضریب امنیتی کشور بیشتر شده و وحدت ملی به یک سلاح فوق العاده ویژه و بازدارنده تبدیل می گردد.

ایران اسلامی با شروع جنگ تحمیلی وارد آزمون سختی شد. سیاست ها از یک سو می بایست پاسخ مناسبی برای تهدیدهای ویرانگر بیرونی ارائه می کرد و از سوی دیگر سطح تأثیرپذیری خود را از شرایط تحمیلی جدید با معانی مندرج در فلسفه انقلاب اسلامی مورد تطبیق قرار می داد. در این زمان اگرچه هویت دینی و اسلامی به عنوان مبنای هویت ایرانی پذیرفته شد و گسترش یافت، اما ابعاد دیگر هویت ایرانی همچون حس میهن دوستی، علاقه به آداب و سنن ایرانی و... همچنان حفظ شد این امتزاج و همسازی عناصر مختلف هویت ایرانی در احساسات میهن پرستانه و ملی گرایانه مردم در زمان جنگ تحمیلی و حضور یکپارچه اقوام ایرانی در

دفاع از کشور تجلی پیدا کرد. در دوران دفاع مقدس، همبستگی و وحدت ملی مبتنی بر هویت ملی ایرانی که تمام ایرانیان را دربر می گرفت، به وجود آمد.

بر همین اساس نقش اقوام و اقلیت های مختلف دینی و فرهنگی در طول دوران جنگ همچون دوران نهضت انقلابی بسیار برجسته بود. جنگ و پیروزی ایرانیان در برابر تهاجم بیگانه که خود پیامدی از احیای مؤلفه وحدت ملی ایرانی توسط انقلاب اسلامی بود، آثار و پیامدهای مهمی برای تقویت وحدت ملی ایرانیان و تحکیم آن نیز داشت که از جمله می توان به:

تقویت دین و ارزش های دینی، انقلاب و تحول درونی انسان ها، تقویت فرهنگ مقاومت و پایداری، تقویت مشارکت سیاسی، اجتماعی اقشار مختلف جامعه، تثبیت استقلال سیاسی، رشد بیداری اسلامی، تحکیم وحدت و انسجام ملی، حفظ مرزهای زمینی، حفظ منابع اقتصادی کشور، تقویت

خودباوری و اعتماد به نفس و اشاره داشت؛ شعبانی سارویی (1384 : 142 - 124). امروز همه آنچه بیان شد ادبیات دفاع مقدس را تشکیل می دهد که خود نیز باب جدیدی از دفاع را در جهان اسلام باز کرده است.

نتیجه گیری

ادبیاتی که در دفاع مقدس تولید شد و بر رفتار و تولیدات تبلیغی ما کاملاً حاکم بود. آمیزه ای از حماسه و عرفان و مبتنی بر نگرش عاشورایی بود. عشق به سالار شهیدان کربلا یک بنیان و فرهنگ بود، درون مایه همه اقدامات از جمله تبلیغات جبهه و جنگ بود. هر مجاهد فی سبیل الله و هر کس که می خواست در میدان خطر و جنگ وارد بشود، از ماجرای کربلا و نهضت حسینی مایه می گرفت و آن را پشتوانه روحی خود قرار می داد. در این راستا، حضرت امام خمینی (ره) نیز شهادت آنها، پیروزی ها و فداکار یهای مردم را محصول کربلا می دانستند و پس از هر پیروزی می کوشید تا حلقه اتصال به کربا را قوی تر و ارتباط روحی و معنوی رزمندگان را با عاشورا مستحکم تر سازند.

ادبیات پایداری به طور کلی، قابل تقسیم به سه بخش است پایداری در: برابر دشمن خارجی، پایداری در برابر دشمن داخلی و نابرابری های جامعه و پایداری در برابر نفس. هر سه این بخش ها در دفاع مقدس ما جایگاه ویژه دارد. پایداری در برابر دشمن

خارجی، بر مؤلفه هایی چون؛ آزادی خواهی، استعمارستیزی، صلح طلبی و امید و خوشبینی در به وجود آمدن وحدت ملی ما نقش داشته و تأکید دارد.

پایداری در برابر دشمن داخلی نیز، به مؤلفه هایی چون؛ عدالت طلبی، مبارزه با مفسد اجتماعی، فقر، مبارزه با بی هویتی و ستم ستیزی تأکید زیادی دارد. مبارزه با نفس، به کمک اندیشه و زندگی عرفانی، از دیگر جلوه های ادبیات پایداری در دفاع مقدس است.

باید گفت هماهنگی که معنویت سبب شد انقلاب اسلامی ما به پیروزی برسد و در مقابل دشمنان در این سه دهه استقامت نماید؛ همچنان این عنصر حیاتی انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی «وحدت ملی» را باید با

بهره گیری از مؤلفه های معنوی و مادی سرمایه اجتماعی در خود و آحاد جوانان به عنوان یک سازه مقاوم سرمایه اجتماعی تقویت نماهیم تا در این عرصه از ایستادگی در مقابل دشمنان انقلاب اسلامی با قدرت و توان بالا ثابت قدم باشیم؛ و این همان کار عظیم فرهنگی با استراتژی وحدت ملی است که باید تداوم یابد. زیرا هنوز تهدید بر این انقلاب و آرمانهای آن ادامه داشته و هرروز رنگ و بوی تازه ای به خود می گیرد و امروز که تهدیدات نرم دشمن وارد فازهای جدید جنگ نرم شده است؛ باید در هر زمان و مکان مهبلی دفاع هم هجانبه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی از یگان انقلاب اسلامی باشیم؛ و راهبرد ما همیشه «وحدت ملی» سلاح فوق العاده ویژه بازدارنده در تهاجمات دشمن است.

پی نوشت

Coleman.1

Putnam.2

Brehm.3

Coleman.4

Flora.5

Vilanova & Josa.6

Bolino, Turnley & Bloodgood.7

Colman.8

Preventive.9

Reactive.10

security-making.11

security- keeping.12

منابع

1- الوانی، سید مهدی و میرعلی سید نقوی، (1381) سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها ؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره 33 و 34 ، صص 26 - 3.

- 2- توسلي، غلام عباس و موسوي، مرضيه، («)، 1384 مفهوم سرمايه در نظريات كلاس كي و جديد با تأكيد بر نظريه هاي سرمايه اجتماعي»، نامه علوم اجتماعي شماره 6.
- 3- دوورژه، موريس، (1376) جامعه شناسی سیاسی ، (ترجمه ابوالفضل قاضی)، تهران، دانشگاه تهران.
- 4 -حديث ولايت، (1378) مجموعه رهنمودهاي مقام معظم رهبري ، مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامي، تارن، ج 5.
- 5 -روح الاميني، محمود، (1373) جبهه ای نو در فرهنگ شناسی ایران ، به اهتمام محسن مهرآبادی و دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه، تهران: چاپ اول.
- 6- شعبانی ساروئی، رمضان، (1384) استراتژي دفاع و تأثیر هویتی آن مردم ، فصلنامه مطالعات ملی، سال شش، 23 پیاپی، 3 م.
- 7 -شيرواني، عليرضا، (1383) تأثیر عملکرد سازمان های بخش دولتي بر سرمايه اجتماعي، مديريت و توسعه؛ شماره 20 ، صص 47 - 75 .
- 8 -عبدالهي، محمد و موسوي، مير طاهر، (1386) سرمايه اجتماعي در ايران - وضعيت موجود- دورنماي آینده و امکان شناسي گذار ، نشریه رفاه اجتماعي، سال ششم، شماره 25.
- 9 -علاقه بند، مهدي، (1387)، درآمدی بر سرمايه اجتماعي ، نشریه فصل نو شماره 5.
- 10 -علوي، سيد بابك، (1380) نقش سرمايه اجتماعي در توسعه «، تدبير شماره 116 ، ص 34.
- 11 -فوزي، يحيي، (1388) اندیشه سياسي امام خميني «، معارف مجموعه 38 انقلاب اسلامي، چاپ دوم.
- 12-citizenship ,)2002(, Bolino, Mark C, William H. Turnley & James M. Blood good-12
behavior and the creation of social capital in organizations Academy of management
N0.4 ,27.reviewVol, 505-522.
- 13-Individual level Evidence for Causes & ,)1977(,Brehm, John & Wendy Rahn-13
No ,41 .Consequences of Social Capital American Journal of political science, Vol.3
pp999-1023.
- 14-Social capital in the creation of human capital « , « ,)1988(,Coleman, J.S-14
American Journal of Sociology, 94: 95-120
- 15-Foundations of Social Theory cambridge, Harvard ,)1990(,Coleman, J. S-15
university press
- 16-Individual Interests and collective. Action: studies in,)1986(,Colman, James-16
Rationality and Social change)Hard Cover(Cambridge University Press. A vailable on
line at: <http://links.jstor.org/sici>.

Social Capital and Communities of Place, *Rural Sociology*, 1998(, .Flora, Jan L-17
December ,506–481 pages ,4 Issue ,63 Volume 1998.

The prosperous community: Social capital and Public life»« ,)1993(,.Putnam, R-18
pp11,4,13, *The American Prospect*-18.

Social Capital as a Managerial phenomenon Department ,)2003(,Vilanova & Iosa-19
of Industrial Engineering & Management Tampere University of Technology.